

اسرائیل، منفورتر از همیشه



محسن کدیور

۲۳ خرداد ۱۴۰۴

تجاوز اسرائیل به خاک ایران، کشتن افراد غیرنظامی از جمله کودکان و زنان، ترور دانشمندان هسته‌ای، کشتن فرماندهان ارشد نظامی، و تخریب تاسیسات هسته‌ای ایران از هر زاویه‌ای مطلقاً محکوم است. رژیم صهیونیستی از بدو انعقاد نطفه نامشروعش در خاک فلسطین با غصب، ترور، کشتن غیرنظامیان، و زیرپا گذاشتن کلیه موازین حقوق بین‌الملل، و حداقل از سال ۱۹۶۷ با نقض مکرر کلیه قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد نشان داده است که بزرگترین عامل بی‌ثباتی و تنش در منطقه است. آنچه اسرائیل در نزدیک دو سال اخیر در غزه انجام داده به تصریح دادگاه بین‌المللی لاهه، سازمان عفو بین‌الملل، سازمان پزشکان بدون مرز، یونیسف، و دیگر نهادهای سازمان ملل متحد جنایت جنگی، نسل‌کشی، پاکسازی قومی، کشتار جمعی، کشتار هدف‌مند کودکان و زنان و شکنجه دسته‌جمعی از طریق گرسنگی دادن بوده است. اسرائیل در جنوب لبنان، بلندبیهای جولان سوریه، و یمن نیز اقدامات مشابهی انجام داده است. اسرائیل به عنوان «دفاع از خود» هیچ حق و احترامی برای هرکسی که به زعم ایشان دشمن یا تهدید محسوب شود قائل نیست. رژیم صهیونیستی مصداق بارز طاغوت، شیطان و سقوط انسانیت است. در سیاه‌کاری، سیاه‌دلی، قساوت، سبعت و محکومیت سردمداران اسرائیل تردیدی نیست.

صهیونیسم معادل یهودیت نیست. بخش قابل ملاحظه‌ای از یهودیان پیشرو جهان اقدامات اسرائیل را مایه شرم جهود می‌دانند و از آن تبری می‌جویند. از آن سو تردیدی نیست که یهودیان به جرم یهودی بودن قرن‌ها در غرب مسیحی تا جنگ جهانی دوم مورد تحقیر و آزار قرار گرفته‌اند که اوج آن واقعه شنیع هولوکاست در آلمان نازی بود. از اوایل قرن بیستم در غرب مسیحی ورق برگشت و صهیونیسم مسیحی در میان اونجلیکن‌ها شروع به رشد کرد و به صهیونیسم یهودی امکان میدان‌داری داده شد. انگلستان، فرانسه و آمریکا به کفاره گناهی که مسیحیان غربی در حق یهودیان غربی کرده بودند اسرائیل را در خاک فلسطین تاسیس کردند و بدون قید و شرط شروع به حمایت و تجهیزش کردند. اسرائیل عملاً شد ایالت پنجاه و یکم آمریکا و نقد اسرائیل معادل شد با جرم نابخشونی یهودی‌ستیزی!

اسرائیل به همان مقداری از خاک فلسطین که در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل با حمایت بیدریغ حامیان غربیش به رسمیت شناخته شده بود اکتفا نکرد و در چند جنگ با اعراب سرزمین تحت تصرف خود را چند برابر کرد. امروز دیگر برای همگان واضح است که اسرائیل مدعی تمام خاک فلسطین است و اهالی بومی فلسطین را اصلاً آدم نمی‌داند! تا کشتنشان مشکلی داشته باشد. در ایدئولوژی صهیونیسم بر اساس برداشتی از تورات هر که انگ «عمالقه» به پیشانی‌ش بخورد مهدورالدم است و می‌توان بدون هیچ مشکلی آنها را کشت، حتی کودک و نوزادشان، و زمینشان را هم به توبره کشید. سران اسرائیل اهالی فلسطین که حاضر به ترک سرزمین آباء و اجدادیشان نیستند

و به غاصب خوشامد نمی‌گویند را «عمالقه» می‌دانند، و روزانه در حال قتل عام عمدی آنها هستند. بنگرید به سخنرانی خدای اخلاقی و قداست زندگی: مطالعه تطبیقی قرآن و کتاب مقدس (۱۳ فروردین ۱۴۰۳)

اسرائیل با پشتیبانی بیدریغ آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی (کمکهای بیدریغ مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و امنیتی) به معنای واقعی کلمه هر غلطی خواسته کرده است، کلیه معاهدات حقوقی بین‌المللی را نقض کرده، کلیه موازین اخلاقی را زیر پا گذاشته، و نهایت توحش و قساوت بشری را به نمایش گذاشته است. اسرائیل اگر چنین پشتیبانانی نداشت هرگز ممکن نبود چنین جنایات گسترده‌ای در جهان مرتکب شود. اگرچه در فاجعه شکنجه اهالی غزه با گرسنگی و به رگبار بستن شهروندان بی‌دفاع، برخی کشورهای اروپایی در حد گلایه لفظی ابراز نارضایتی کردند اما از مرز حرف فراتر نرفتند. دولت آمریکا (چه دموکرات چه جمهوری‌خواه) با وتوی مکرر هر قطع‌نامه‌ای که در دفاع از مظلومان فلسطین و صلح و آتش‌بس دائمی بوده شریک جرم اصلی اسرائیل متجاوز جنایتکار بوده است.

غنی‌سازی اورانیوم تلازمی با استفاده نظامی از آن ندارد و استفاده صلح‌آمیز از آن حق مسلم ایران است. اسرائیل که سلاح هسته‌ای در اختیار دارد و ایالات متحده آمریکا که تنها کشوری است که از بمب اتم استفاده کرده، نه به لحاظ حقوقی نه به لحاظ اخلاقی مجاز نیستند برای دیگر کشورها از جمله ایران خط و نشان بکشند یا به این بهانه به ایران حمله نظامی کنند. سلاح هسته‌ای بهانه است، اسرائیل نمی‌خواهد اجازه دهد که هیچ کشوری در عمل مخالف سیاستهای توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه‌اش باشد. اسرائیل منطقه‌ای مطیع و مرده می‌خواهد، مثل اغلب کشورهای عربی، و ایران چنین نبوده است. آمریکا که اکنون ابرقدرت بلامنازع جهان است نیز جمهوری اسلامی ایران را موی دماغش می‌داند.

اگرچه در حمله اخیر آمریکا به ظاهر حساب خود را از اسرائیل جدا کرده و این را باید به فال نیک گرفت، اما نه تنها با این حمله مخالفت نکرده است، و الا اسرائیل امکان حمله نداشت، بلکه ترامپ نخستین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا است که به اسرائیل اجازه حمله نظامی به ایران را داده است. آمریکا برای حفاظت از پایگاهها و شهروندانش در منطقه چنین سیاست ظاهری را اتخاذ کرده است. در هر حال اسرائیل با هماهنگی کامل با آمریکا، و سلاحهای فوق پیشرفته امریکایی که حتی خود آمریکا هم هنوز استفاده نکرده است به ایران حمله کرده و این حمله هم هنوز پایان نیافته است. ابعاد خسارتهای حمله اخیر اسرائیل هم هنوز مشخص نیست. برنامه ترامپ تحمیل خواسته‌های غیرموجه خود به جمهوری اسلامی ایران است.

اسرائیل اگرچه در صحنه نظامی با سلاحهای فوق پیشرفته آمریکایی و اروپایی نسبت به همسایگان و کشورهای خاورمیانه هر غلطی خواسته کرده، اما در سه حوزه حقوق، اخلاق و انسانیت به سختی شکست خورده و تحقیقا منفورترین کشور دنیاست. آمریکای عصر ترامپ هم با نقض اکثر قریب به اتفاق ارزشهای آمریکایی در سیاستهای داخلی و خارجی‌اش در حال تنزل شدید است و همراهی بی‌قید و شرط با اسرائیل آن را در این منفوریت بین‌المللی شریک کرده است.

اما و صد اما، معنای روسیاهی کامل اسرائیل این نیست که جمهوری اسلامی ایران در سیاستهای داخلی‌اش نسبت به شهروندان خود درست عمل کرده، یا در سیاست خارجی‌اش اشتباه نکرده است. قذافی دیکتاتور لیبی، یا صدام

دیکتاتور عراق، یا اسد دیکتاتور سوریه ضداسرائیل بودند! هیأت حاکمه جمهوری اسلامی ایران که نماینده اقلیتی کمتر از بیست درصد ملت ایران هستند، باید صدای اکثریت هشتاد درصدی را تا دیر نشده بشنوند، رضایت آنها را تامین کنند و کشور را مطابق اراده ملی اداره نمایند. برخی از این نکات درباره ایران و اسرائیل را اخیراً در این [مصاحبه بین‌المللی](#) ابراز کرده‌ام (۷ می ۲۰۲۵).

تردید نیست که پای متجاوز را باید قطع کرد و از خاک وطن باید دفاع کرد، اما در هر حال «مقدورات ملی» حد و مرز این دفاع، انتقام و مقابله به مثل را چه بخواهیم چه نخواهیم تعیین می‌کند. قبلاً در دفاع از مظلومان غیرایرانی و کمک به ایشان دو اصل رعایت نشد: یکی تقدم رضایت شهروندان ایرانی و دیگری توجه به مقدورات ملی در این کمک‌های خارجی. بنگرید به [تأملاتی فراتر از سیاست‌های روزمره درباره مصالح ملی](#) (۱۶ مهر ۱۴۰۳). اکنون همراهان ایران در نبرد با اسرائیل در فلسطین، لبنان، یمن، سوریه و عراق به شدت سرکوب یا زمین‌گیر شده‌اند، و اسرائیل با کمال وقاحت و قلدرمآبی به حمله نظامی به ایران دست یازیده است. بار دیگر باید همان دو اصل را مد نظر قرار داد: تقدم رضایت عمومی بر هر مطالبه حاکمیت، و رعایت مقدورات ملی. بر حق بودن کافی نیست، تناسب اهداف و شعارها با مقدورات ملی الزامی است. نظم بین‌المللی هم مبتنی بر حقیقت و انصاف نیست. این همیشه تاریخ است که قدرت‌های بی‌اخلاق مسلط بوده‌اند.

آنچه مهم است این است که اولاً کمترین آسیب به شهروندان و زیرساخت‌های ایران وارد شود. ثانیاً انرژی هسته‌ای اگرچه حق مسلم ایران است، اما مهمترین امر نیست. منافع ملی و حفظ ایران بر آن مقدم است. ثالثاً از سخنان شعاری بی‌پشتوانه ولو حق باید پرهیز کرد. باید بیشتر عمل کرد و کمتر حرف زد. رابعاً نبرد با اسرائیل را می‌توان سنجدیده‌تر با عقلانیت بیشتر با رعایت موازین دیپلماتیک، قانونی و حقوقی ادامه داد و سیاست داخلی و خارجی را بر مبنای خواست عمومی و منافع ملی تنظیم کرد.

در میان جان‌باختگان تجاوز اسرائیل به ایران، فریدون عباسی دانشمند هسته‌ای هم‌دوره‌ای و دوستم در دانشگاه شیراز (۱۳۵۶-۱۳۶۰) بود. خدا او و همه مظلومان در خون غلتیده واقعه اخیر را رحمت کند. مراسم عید غدیر خم در سال ۱۳۵۷ در مسجد حبیب شیراز مورد حمله مزدواران رژیم شاهنشاهی قرار گرفت، و شد «غدیر خون» (فایل صوتی با همین عنوان که به کمک دیگر دوستان دانشجوی در آن زمان تهیه و در تیراژ بسیار وسیع در جنوب کشور توزیع شد). [عید غدیر خم](#) ۱۴۰۴ هم در پهنه ایران با قساوت اسرائیل به خون نشسته است. دل شیعیان در دیگر سرزمین‌ها بلکه مسلمانان جهان (اگر نگوییم همه انسانهای باوجدان) از جنایات اسرائیل خون است. این عید سعید را با دلی پر خون به همه پویندگان راه محمد مصطفی (ص) و علی مرتضی (ع) تبریک می‌گویم. روز پیروزی حق بر باطل فرا خواهد رسید. این وعده خداست و وعده خدا تخلف‌ناپذیر است.



kadivar.com

<https://kadivar.com/21758/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.
 نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.